



درس نهم: آداب و رسوم مردم استان

فرهنگ عامه مردم

آذربایجان غربی از تنوع قومی و فرهنگی خاصی برخوردار است. این تنوع فرهنگی بی ارتباط با ویژگی‌های خاص جغرافیایی، تاریخی و مذهبی آن نیست. هر کدام از اقوام آداب و رسوم و مراسمی خاص دارند. بعضی از این مراسم‌ها عبارت‌اند از: عید نوروز، اعیاد مذهبی، چهارشنبه‌سوری، شب یلدا (چیله‌گتجه‌سی)، جشن انگور در استان، خدیر نی و ...

بیشتر بدانیم

جشن‌ها و اعیاد

چهارشنبه سوری: که همراه با فرستادن هدایا برای نو عروس‌ها (بایرام پایی)، خرید انواع میوه و تنقلات و... (چهارشنبه یمیشی)، افروختن آتش که همراه با غروب آفتاب جوانان و بزرگسالان، کپه‌هایی از هیزم که تدارک دیده‌اند آتش افروخته و با خواندن شعر آتیل، باتیل چهارشنبه (بیر، بیر چهارشنبه)، آینا کمین بختیم آچیل چهارشنبه (مثل آینه‌ای بختم باز شود چهارشنبه) از روی آن می‌پرند. از دیگر مراسم آن مراسم شال اندازی، شال سالماق یا بئلی بئلی آغاز می‌شود که جوانان از بام منازل فامیل و آشنایان شالی آویخته و طبق رسم صاحب‌خانه درون آن میوه،



شکل ۲-۳- پیشواز عید با سبزه و ماهی



شکل ۱-۳- سفره هفت سین

شیرینی، تنقلات یا تخم مرغ رنگ شده گذاشته و با دادن دعای خیر (چک الله مطلبین وئرسین) یعنی شال را بکش خدا مقصودت را بدهد همراه است.

عید نوروز: مردم با خانه تکانی و زدودن گرد و غبار از چهره اسباب منازل به پیشواز آن می‌روند و معمولاً با سبز کردن دانه گندم، عدس و... و مراسم سمپوزی (که آن را یادگاری از حضرت فاطمه زهرا (س) می‌دانند) همراه است. پس از آماده شدن سمون آن را بین خانواده و آشنایان تقسیم می‌کنند.

عرفه آخشامی (شب عرفه): روز قبل از اعیاد مذهبی و رسمی چون نوروز، قربان و غدیر معمولاً مردم به زیارت اهل قبور می‌روند و برای آنها خرما و حلوا خیرات می‌کنند.

سیزده بدر: در این استان نیز مانند سایر نقاط کشورمان معمولاً خانواده‌ها در روز سیزدهم فروردین به دامن طبیعت، کنار رودخانه‌ها و چشمه‌سارها می‌روند و جوانان به بازی‌هایی چون آرادا قالدی (وسطی) و خواندن اشعار محلی می‌پردازند و با گره زدن سبزه و روان کردن سبزه‌ها در آب، نوشدن حیات در طبیعت را جشن می‌گیرند.



شکل ۳-۳- مراسم سیزده بدر (دره شهدا از تفرجگاه‌های اطراف ارومیه) جاده ارومیه - اشنویه

عید قربان: این عید را مردم پیرو مذاهب تشیع و تسنن استان گرامی می‌دارند و معمولاً افرادی که قبلاً به زیارت خانه خدا نائل شده‌اند، گوسفند قربانی می‌کنند و گوشت آن را میان آشنایان و فقرا تقسیم می‌کنند. طبق رسم مردم به دیدار خانواده‌هایی می‌روند که به تازگی عزیزی را از دست داده‌اند (قره بایرام) و بعد از آن به دیدار اقوام می‌روند و با گفتن بایرامین موبارک اولسون (عیدتان مبارک)، حاجی لار ثوابیندا اولاسان (ثواب حجاج را داشته باشی) در واقع عید مبارکی می‌گویند.

عید فطر: در این روز مثل روز قبل از عید نوروز و قربان مردم به زیارت اهل قبور می‌روند و روز عید بعد از قرائت نماز عید فطر و پرداختن فطریه به دیدار خانواده‌هایی که به تازگی عزیزی را از دست داده‌اند، می‌روند. همچنین به دیدار اقوام و آشنایان نیز می‌روند.



عید غدیر : شیعیان استان ما سالروز برگزیده شدن امیرالمؤمنین به ولایت را جشن می‌گیرند و برخی از مردان با حضور نزد روحانی بین یکدیگر صیغه عقد اخوت و برادری می‌خوانند. اغلب در روز عید غدیر از سیدهای آشنا دیدار می‌کنند و از آنها عیدی دریافت می‌کنند که باعث برکت در روزی آنها باشد.



شکل ۳-۴- چیله

شب یلدا (چیله گنجه‌سی) : در آذربایجان غربی مانند سایر نقاط ایران کوچک‌ترها در منزل بزرگ‌ترها خصوصاً والدین و ریش‌سفیدان جمع می‌شوند و برای دختران نامزد و نوعروسان هدایایی چون خوراکی (تنقلاتی مانند حلوای محلی) و در صورت استطاعت طلاجاتی چون انگشتری یا النگو تهیه می‌کنند. در این شب افراد فامیل دور هم جمع می‌شوند و با گذاشتن سینی خوراکی‌هایی چون قاورقا، سوجوق، پشمک، حلوا و آجیل صد البته هندوانه و سیب و انار ورود زمستان را جشن می‌گیرند.

مراسم ازدواج : مراسم ازدواج شامل خواستگاری، شکستن قند (قندسیندرما)، شیرینی خوران، نامزدی، حنا گنجه‌سی (حناپندان)، مراسم عقد و جشن عروسی است و معمولاً سه روز بعد از جشن عروسی مراسم پاگشا یا «آباق آشما» برگزار می‌شود.

جشن انگور : در شهریور ماه با انتخاب انگور نمونه در میدان روستا این جشن برگزار می‌شود.

جشن خدیر نبی : این جشن بین دو چله زمستان که پیام آور امید به آینده است، برگزار می‌شود.

جشن سمنو پزی : با حضور جمعی از همسایگان و فامیل برگزار می‌شود و معمولاً باور عمومی مردم این است که یادگار حضرت زهرا (س) است. از این رو همیشه تهیه سمنو را به حضرت نسبت می‌دهند. بعد از پختن آن را بین فامیل و دوست و آشنا احسان می‌کنند. هنگام عودت ظرف سمنو نیز در آن هدایایی می‌گذارند و آن را تحویل صاحب خانه می‌دهند.

مراسم باران خواهی : از اعتقادات و باورهای مردم آذربایجان غربی است که با مراسمی به هنگام خشکسالی از خداوند درخواست باران می‌کنند. معمولاً ملاقه بزرگی را که به آن به زبان محلی چمچه می‌گویند، با پارچه رنگی تزئین می‌کنند و آن را به دست بچه‌های معصوم می‌دهند. بچه‌ها نیز به در خانه‌های مردم روستا یا محله می‌روند و این شعر را می‌خوانند : چُمَّچَه گلین چوم اوستَه / الله دان یاغیش ایستَه / الله بیزه یاغیش ور / دیم لرمیز قورودو
ای عروس چمچه بالا برو / و برای ما از خدا باران طلب کن / خدایا به ما باران ارزانی دار / مزارع دیم خشک شد.

صاحب خانه نیز با دادن مقداری برنج یا لوبیا و پاشیدن آب روی ملاقه بچه‌ها را بدرقه می‌کند. سرانجام با حبوبات جمع‌آوری شده، آش می‌پزند و بین مردم پخش می‌کنند تا حاجتشان برآورده شود.

۱- به قاشق چوبی باریک گفته می‌شود. این استعاره به زمان خشکسالی و لاغر بودن عروس اشاره دارد.

اعتقادات و باورها

باور و اعتقادات هر منطقه برگرفته از فرهنگ، اعتقادات دینی و قومی و نژادی آن منطقه است. این گونه باورها در بین مردم آذربایجان با توجه به تنوع قومی آن نیز وجود دارد.

یوخدا بال آرسی گورسن وارله اولاسان (اگر کسی در خواب زنبور غسل ببیند ثروتمند خواهد شد).
چای اوستده تلیف اولسا قوناخ گلیر (اگر بر روی چای دانه و ساقه باشد مهمان می‌آید).
کردی : رویشتن به ده ستی خوته، ها تنه وه به ده ستی خودا (رفتن به اراده خودت است برگشتن به اراده خدا)

ضرب‌المثل‌ها

ترکی :

چُوری آت دریا، بالیق بُولمسه خالق بولر : نان را بینداز به دریا ماهی قدرش را نداند خدا می‌داند.
دوس داشی یامان اولی : سنگی که دوست می‌زند آزارش بیشتر است.
قابونی باغلا، قوشویون اوغرو توت ما : درت را ببند به همسایه‌ات تهمت دزدی نزن.

کردی :

مشک ده کونه‌وه نه ده چوو، قانگه لاشکی له کلکی ده به ست : موش نمی‌تونه بره سوراخ به دمش جارو می‌بندد.
گورگ نه گدر لر بارانی ترسا با کپه نکلی که برده کرد : گرگ اگر از باران بترسه لباس ضخیم می‌پوشد.

آیین‌های سوگواری

عزاداری ماه محرم

معمولاً در استان در دهه اول ماه محرم مجالس عزاداری و روضه خوانی برای سیدالشهدا برگزار می‌شود. دسته‌های زنجیرزنی در کوچه و خیابان راه می‌افتند و نوحه‌خوانان با خواندن نوحه‌های مربوط به هر روز از ماه محرم برای سالار شهیدان و اهل بیت سوگواری



شکل ۶-۳- مراسم شبیه خوانی (خیمه سوزانی در ارومیه)



شکل ۵-۳- مراسم زنجیرزنی (تعزیه مسجد سیدجواد ارومیه)



می‌کنند. در روز ظهر عاشورا مراسم شبیه‌خوانی برگزار می‌شود و بعد از ظهر نیز به دیدار قبور و امامزاده‌ها می‌روند و شب مراسم شام غریبان سیدالشهدا و اهل بیت در مساجد با سینه‌زنی انجام می‌گیرد. روز چهارم اربعین حسینی نیز دسته‌های زنجیرزنی در خیابان و امامزاده‌ها به عزاداری می‌پردازند و مردم نذورات و خیرات خود را به دسته‌های عزاداری و همسایگان و آشنایان تقدیم می‌کنند.

زبان، دین و مذهب: در حال حاضر در این استان اقوام ترک، کرد و اقلیتی از آرامنه و آشوری‌ها زندگی می‌کنند. زبان اغلب مردم استان ترکی آذری و کردی است. بیشتر مردم استان پیرو دین اسلام (شیعه و سنی) هستند و آشوری‌ها پیرو مذاهب کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس هستند و آرامنه به کلیسای گریگوری وابسته هستند.

ادبیات شفاهی

۱- موسیقی فولکلوریک آذربایجان شامل: عاشقلار، موسیقی تعزیه، لای لای، یئل یئل، ماهنی یا ترانه فولکلوریک مربوط به آداب و رسوم و مراسم متفرقه

۲- بایاتی‌ها: معادل فارسی بایاتی دوبیتی است که قسمت اعظم ادبیات فولکلوریک آذربایجان را تشکیل می‌دهد. بایاتی‌ها به دلیل گستردگی و مضمون‌های رنگارنگ، ایجاز و قالب‌های زیبا و دلنشین مقام اول را در فرهنگ شفاهی مردم این سرزمین دارند. بایاتی‌ها که به الفاظ ساده جاری می‌شوند، از راز و نیازهای مردم پاک دل سرچشمه می‌گیرند. گاهی از آن به عنوان تغال یا در مواقع غم و اندوه و ناراحتی استفاده می‌شود. در زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است.

۱- امامزاده باغلاری، یاشیلدیله یا پراغلاری، ندریم قبول اولسون، یاندریم چراغلاری (باغ‌های امامزاده برگ‌های سبزی دارد، نذریم قبول شود چراغ‌ها را روشن کنم).

۲- گویده اوچان قوش اولسون / ایچدیگین سُو نوش اولسون / لیلی نه خبر ورین / مجنون گلیر خوش اولسون (اونی که تو آسمان پرواز می‌کند، پرند باشد / آبی که می‌خوری نوش جان باشد / به لیلی خبر بدهید / مجنون می‌آید خوشحال باشد).

۳- بوردان بیر آتلی گجدی / آتین اوینادی گجدی / آی کیمی شفق ساجدی / گون کیمی باتدی گجدی (از اینجا یک اسب سوار رد شد / اسب را جولان داد و رفت / مثل ماه درخشید / و مثل خورشید غروب کرد و رفت).

الف) عاشیق‌ها: معنی لغوی عاشیق دل‌باختگی و دوست داشتن است. عاشیق‌ها دل‌باخته وطن و مردم هستند. آنها مالک گنجینه عظیم هنر و ادبیات تاریخی مردم این



شکل ۷-۳

۱- به زبان ترکی عاشیق‌ها هنرمندان این رشته را دده می‌نامند - دده قو قورت - دده یادیار - قرن دهم - توراب دده قرن دوازدهم

ویژگی های فرهنگی استان

سرزمین اند. آنها در اشعار خود مسائل اخلاقی، سیاسی، عامی و عشقی مردم را بازگو می کنند. آهنگ هایی که عاشیق های آذربایجان با ساز می زنند و با آهنگ آن می خوانند، شامل ۷۲ آهنگ است؛ چون دیوان، تجنیس، تاجری و... .

(ب) موسیقی تعزیه: شامل اشعاری است که در مراسم عزا و مجالس ترحیم و سالگردهای امامان (عاشورای حسینی) اجرا می شود که به آنها آغی یا اخشاما هم گفته می شود.

(ج) لای لای: اشعاری است که مادران برای خواب کردن کودکان در پای گهواره می خوانند و در واقع با کودک یک نوع ارتباط کلامی و عاطفی برقرار می کنند. نمونه ای از آن در زیر آمده است:

لای لای دیم یاتاسان / قزل گوله باتاسان / قزل گولون ایچینده / شیرین یوخو تاپاسان.

(لالایی می گویم که به خواب روی / بین گل های محمدی غرق بشوی / بین گل های محمدی / خواب شیرینی پیدا بکنی.)

هامی یاتیب سنده یات / دینجل قوزوم تز بوی آت / صبحون خیره آچلسین / سنه گولسون بو حیات.

(همه خوابیده اند تو هم بخواب / استراحت کن عزیزم تا زود بزرگ شوی قد بکشی / صحبت به خیر گشوده شود / زندگی به

رویت لبخند بزند.)

لای لای دندیم آدینا / حق یتیشسین دادینا / بویا باشا چاتاندا / منی ده سال یادینا.

(لالایی می گویم برایت / تا خداوند به دادت برسد / تا بزرگ شوی و قد بکشی / منو به یاد بیاری.)

(د) یئل یئل: اشعاری است که کشاورزان هنگام کاشت و برداشت محصول می خوانند که معمولاً درخواست باد برای باد دادن

گندم و جدا کردن گاه از گندم است.

ای ایلر ایلر / باغچا دا گولر / او شیرین دیلر / بئله دیللر / یئل یئل.

(ای ایل ها / گل های باغ / بازبان شیرین این طور می گویند باد باد (باد می خواهیم).)

(ه) ماهنی یا ترانه فولکوریک: این ترانه ها در موقعیت هایی مثل پیروزی ها، غم ها و شادی ها خوانده می شوند و امروزه به

نام سرودهای محلی به یادگار مانده اند.

(و) موسیقی های مربوط به آداب و رسوم مراسم متفرقه: در آذربایجان غربی اکثر امور روزمره با مراسم خاصی اجرا

می شود. مثلاً هنگام سمنو پزی، تهیه عرقیات (بیدمشک، بادرنجبویه، نعناع و...) تهیه شیرۀ انگور، پختن رب گاهی از اقوام و همسایگان

دعوت می شود و اشعاری می خوانند، مثل سمنو ساخلامنی / ایلده گوردرم سنی (سمنو منو نگهدار/ تا هر سال سبزت کنم) و گاهی

همراه با نذورات خاص است.

بازی های محلی

ورزش و بازی هایی که بین اقشار مختلف جامعه رایج است، برگرفته از فرهنگ و آداب و سنن، علایق ملی و ذوق و همت مردم

هر جامعه است. در آذربایجان غربی نیز به سبب تنوع قومی و نژادی، بازی های مختلف رایج است. از جمله بازی های بومی می توان

به شعبه شعبه، پیل دسته، هفت سنگ، آرادا قالدی (وسطی)، یرد قالان قورد اولسون، خسترچین (خط چین) در مناطق ترک نشین و

برج و فیتود (برج و سوت)، گُزلی ب فیتوان (سوت زدن همراه گُز) گُبن (چوگان بازی)، هلوکین (چوب و گوی) در مناطق کردنشین

اشاره کرد.



فعالیت



- ۱- در روستا یا شهرستان محل زندگی شما کدام یک از انواع مراسم فوق وجود دارد؟ از نمونه اشعار آن چند مورد بنویسید.
- ۲- به غیر از موارد ذکر شده، چه نوع بازی‌هایی در شهرستان یا روستای محل زندگی شما رایج است؟ آیا می‌توانید چند نمونه از آنها را ذکر کنید؟
- ۳- آیا در روستا یا شهر محل زندگی شما افسانه‌ها و حکایت‌های خاصی رایج است؟ اگر جواب مثبت است، یک نمونه از آن را در کلاس ارائه دهید.

بیشتر بدانیم

پوشاک

امروزه مردم آذربایجان همچون دیگر مردم ایران اسلامی پوشاک مشترکی دارند اما پوشاک سنتی مردم ترک و کرد آذربایجان به شرح زیر است:

مردان ترک آذری شامل کونیک (پیراهن) جلققا (جلیقه) شلوار، ایپ جوراب (جوراب پشمی) چاروق (کفش پوستی) بوزملی درن (نیم تنه) ال جَه (دستکش) بویون شاله (شال گردن)، بورک (کلاه)، دولاخ (پاییند ساق) که در فصول مختلف می‌پوشیدند.



شکل ۸-۳ پوشاک زن و مرد قره باباق و شاهسون

پوشاک زنان ترک آذری: پوشاک زنان ترک آذری شامل چارقد (روسری)، کوبنک (پیراهن)، عرفچین (کلاهی کاسه‌ای)، آرخالیق (تن پوش شبیه کت)، تومان (شلواری از جنس چیت)، شلیته (دامن پر چین کوتاه)، ساپ (جوراب)، گالش (کفش از جنس لاستیک)

پوشاک مردان کرد: کواویانتول (نقش کت و شلوار)، پشتیبند (پشت بند)، یک نوع شال، آغابانی یا پیچ شال (دور سر)

پوشاک زنان کرد: کراس (پیراهن بلند)، کلاو یا کلاه، کُلیچ (کتی شبیه کت مردان از مخمل)، پشت بند (شال کمر)، دسمال (روسری)، ده ری (شلوار بسیار بلند)، چارشیشال (پارچه‌ای گل‌دار که به دور دوش می‌اندازند).



ب - پوشاک سنتی زنان کرد

الف - پوشاک زنان عشایر شمال استان

شکل ۹-۳

خوراک

خوراک مردم تا حدود زیادی به نوع آب و هوا (معتدل و سردسیر) و موقعیت جغرافیایی آن بستگی دارد و در بین اقوام و نژادهای مختلف غذاهایی به شرح زیر تهیه می‌شود: کوفته و شورپا (کوفته)، آیران آشی (آش دوغ)، قاتیق آشی (آش ماست)، یارماشورباسی (آش بلغور)، یاریاق دولماسی (دلمه برگ مو)، کلم دولماسی (دلمه کلم)، اشکنه، پلو، گوزلمه و... و از غذاهای مردم کرد به بربّه سیل، قلّه سی، آش ساوار، ترشک که اقوام و ساکنین با توجه به فرهنگ‌ها و عادات غذایی هر کدام، غذاهای بالا را با توجه به طبع و مزاج فرد تهیه می‌کنند^۱.

۱- ترشی‌ها: که معمولاً با غذاهای گوشتی که بنابر باور از بین برنده صفراست استفاده می‌شود می‌توان به ترشی مخلوط، هفت بیجار، لیته، دولدورما ترشی (بادمجان، فلفل، گوجه‌فرنگی) اشاره کرد.

نان‌ها: یوخا، آرده، آل چوره گی، کولیره، کل لره ناسکه و نان لواش تنوری که در بین مردم شهر و روستا و عشایر رایج است.

فصل چهارم

پیشینه و مفاخر استان آذربایجان غربی

